

Comparative interpretation of "Baqiya Allah" in verse 86 of Hud from the point of view of Ibn Arabi and Javadi Amoli

Dr. Parviz Abbasi Dakani ¹

Dr. Khosrow Zafar Navaei ²

Moosa Namdar Baboli ³

Abstract

In verse 86 of the blessed Surah Hud, it is mentioned about "the rest of God": "The rest of God is good for you if you are believers". The interpretation of this phrase has become controversial among commentators. According to some narrations in Shia sources, this expression of Hazrat Mahdi (AS) refers to the remaining proof of God. This research examines the truth of "the rest of Allah" in verse 86 of Surah Hud from the point of view of Ibn Arabi and Javadi Amoli. Through this research, it is shown that these two thinkers considered Hazrat Mahdi (AS) as an example of God's rest in the aforementioned verse. Of course, there are differences between the views of these two scholars. For example, Ayatollah Javadi Amoli documents his view that Hazrat Mahdi (pbuh) is an example of the rest of God with narrations, but Ibn Arabi expressed the same view without mentioning related narrations and expressing a ruling that this is probably due to cultural and social conditions. And it was the political ruling during the time of Ibn Arabi that the expression of the Shiite belief was considered a crime.

Keywords: Verse 86 of Surah Hud, Baqiya Allah, Imam Mahdi, Ibn Arabi, Javadi Amoli

-
1. Assistant Professor, Department of Religion and Mysticism, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Responsible Author) (dr.parviz.abbasi.dakani39@gmail.com)
 2. Assistant Professor of Islamic Philosophy and Mysticism, Islamic Azad University, Tehran, Iran
 3. Ph.D. Candidate, Department of Religion and Mysticism, Azad University, Tehran, Iran

تفسیر تطبیقی ابن عربی و جوادی آملی از «بقیة الله» در آیه ۸۶ هود*

پرویز عباسی داکانی^۱

خسرو ظفر نوایی^۲

موسی نامدار بابلی^۳

چکیده

در آیه ۸۶ سوره مبارکه هود از «بقیة الله» سخن رفته است: «يَقِیْتُ اللّٰهَ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ». تفسیر این عبارت در میان مفسران بحث برانگیز شده است. براساس برخی روایات در منابع شیعه مراد از این عبارت حضرت مهدی علیه السلام است که حجت برجای مانده الهی است. این پژوهش به بررسی حقیقت «بقیة الله» در آیه ۸۶ سوره هود از منظر ابن عربی و جوادی آملی می پردازد. از رهگذر این پژوهش نشان داده می شود که این دو اندیشمند حضرت مهدی علیه السلام را مصداق بقیة الله در آیه پیش گفته دانسته اند. البته میان دیدگاه این دو دانشور تفاوت هایی هم وجود دارد. برای نمونه آیت الله جوادی آملی دیدگاه خود مبنی بر این که حضرت مهدی علیه السلام مصداق بقیة الله است را به روایات مستند می کند، ولی ابن عربی همان دیدگاه را بدون ذکر روایات مرتبط و با بیان حکمی بیان کرده است که این احتمالاً ناشی از شرائط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر زمان ابن عربی بوده است که بیان عقیده تشیع جرم تلقی شده می شده است.

واژگان کلیدی

آیه ۸۶ سوره هود، بقیة الله، امام مهدی علیه السلام، ابن عربی، جوادی آملی.

مقدمه

در قرآن کریم به صراحت نامی از امام زمان علیه السلام برده نشده است، اما بنا به روایات شیعه حقیقت برخی از آیات امام زمان علیه السلام است. یکی از این آیات آیه ۸۶ سوره هود است که در آن

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۲

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲

۱. استادیار رشته عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران (نویسنده مسئول) (dr.parviz.abbasi.dakani39@gmail.com).

۲. استادیار رشته عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران (Mahdinavaei2@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران (kalafabad@chmail.ir).

از «بقیة الله» سخن رفته است: «بَقِیْتُ اللّٰهَ خَیْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ؛ بقیة الله برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید». تفسیر این عبارت در میان مفسران بحث برانگیز شده است و پژوهش‌هایی در این باره سامان گرفته است.

محمّدی (۱۳۸۵) به بررسی مفهوم و مدلول بقیة الله از منظر مفسران شیعی و سنی پرداخته و نشان داده است که عموم مفسران مراد از بقیة الله را سود عادلانه‌ای که از یک معامله حلال، به شرط ایمان به خدا و روز جزا، به دست می‌آید دانسته‌اند. همچنین خاستگاه تطبیق بقیة الله به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حدیثی در کمال الدین شیخ صدوق است. مظفری و حسینی شاهروی (۱۳۹۵) نظرگاه ابن عربی در موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را براساس آثار او به‌ویژه فتوحات مکیه و مجموعه رسائل او واکاوی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نشانه‌هایی که وی برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برشمرده، موافق آموزه‌های شیعه در موضوع مهدویت است. میرزایی نیا و ابراهیمی آشوری (۱۳۹۶) واژه بقیة الله را در قرآن کریم، نهج البلاغه و روایات واژه‌شناسی کرده‌اند و اظهار کرده‌اند که این واژه دارای معانی گوناگونی، از جمله سود حلال است و همچنین این واژه یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ورمزیار (۱۴۰۱) مفهوم بقیة الله و تطبیق آن بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بررسی کرده و سه تحلیل درباره ارتباط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با بقیة الله ارائه داده است. طبیبی (۱۴۰۱) مصادیق واژه «بقیة الله» را در تفاسیر فریقین تحلیل تطبیقی کرده و به دست داده است که بقیة الله، به معنی برجامانده بدون زوال منسوب به خداوند، مصادیق بی‌شماری دارد و هر وجود مبارک و سودمندی که به اراده خداوند برای بشریت برجا می‌ماند را دربر می‌گیرد. چراغچی و همکاران (۱۴۰۱) محتوای آیات دربردارنده عبارت «ما عند الله» و میزان ارتباط آنها با عبارت «بقیة الله» را با محوریت آیات ۶۰ قصص، ۹۵-۹۶ نحل و ۸۶ بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که پیامبران و ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور عام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور خاص، از مصادیق «بقیة الله» شمرده می‌شوند.

در این پژوهش به بررسی تطبیقی دیدگاه جوادی آملی، مفسر شیعی معاصر، با دیدگاه ابن عربی، عارف نامدار اسلام، می‌پردازیم و شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه این دو اندیشمند را بررسی می‌کنیم. ناگفته روشن است که روش این پژوهش تفسیر تطبیقی است.

اهمیت این موضوع از چند جهت است. یکی این که تفسیر عبارتی از قرآن آشکارتر می‌شود؛ دوم این که این عبارت قرآنی با موضوع مهدویت گره خورده است؛ سوم آن که چون تفسیر بقیة الله به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس روایات و باور شیعه است، همسویی دیدگاه ابن عربی با

دیدگاه آیت الله جوادی آملی می تواند قرینه ای بر باور ابن عربی باشد.

معنای لغوی و اصطلاحی بقیة الله

«بقیة»، بر وزن «فعیلة»، صفت مشبیه است از ریشه «بقی» که «ة» مبالغه به آن افزوده شده است. مصدر این ماده «بقاء» (ضد فناء) است. بقا ثابت ماندن چیزی به حالت اولیة خود است که در مقابل فنا و زوال است. «در نتیجه بقا به معنای عدم رسوخ و نفوذ زوال و نیستی در حريم آن خواهد بود. بنابراین بقیة الله به چیزی گفته می شود که خدای سبحان آن را به هر دلیلی، باقی گذاشته و زوال و نابودی در آن راه ندارد» (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۱، ۳۰۰). بقیة الله به هر آنچه در آن قصد توجه به خدا باشد نیز معنی شده است (راغب، ۱۳۸۷ ش: ۹۶). بقیه به معنی باقیمانده، باقیمانده یک حساب، برجای مانده، ادامه چیزی، پایان نیافته، زنده مانده و دارای حیات، دارای زندگی جاوید و نگهداشته است (آذرنوش، ۱۳۹۰ ش: ۴۴). قشیری در لطائف الإشارات در معنای واژه بقیه در آیه ۸۶ سوره هود، هر چیز کم حلال از ناحیه خداوند را با برکت و ماندگارتر از چیزهای زیادی که وزر و وبال را به دنبال دارد معنا می کند:

اندرکی از حلال، بهتر از بسیار از حرامی است که به دنبال آن عذابی باشد. آنها نصیحتی که به آنها شد را تنها با لجاجت و پافشاری بر کفر و بخل پاسخ دادند (قشیری، ۱۹۸۱ م: ج ۲، ۱۵۱).

کاشانی نیز درباره این عبارت گفته است که هر چیزی که با نیت خالص برای خداوند انجام گیرد باقی و ماندگارتر خواهد بود از اموال دنیا که نابودشدنی و از بین رفتنی است، پس فانی را برای باقی رها کنید (کاشانی، ۱۳۸۵ ش: ۲۵۷).

بقیة الله در روایات

امام باقر (ع) در زمان برگشت از سفر اسارت گونه شام به مدینه در میانه راه برفراز کوهی رفت و بعد از قرائت آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره هود، این جمله را خطاب به اهالی شهر گفت. آن گاه دست بر سینه مبارک خود نهاد، با صدای بلند فرمود:

من به خدا سوگند بقیة الله هستم، به خدا سوگند بقیة الله هستم (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴۶، ۳۱۵).

مادر امام رضا (ع) ماجرای ولادت فرزند خود را این گونه شرح می دهد:

وقتی او را نهادم، دست های خود را بر زمین گذاشت، سرش را به سوی آسمان بلند کرد و لب های خود را حرکت می داد، به گونه ای که چیزی می گفت. در این هنگام پدرش،

موسی بن جعفر علیه السلام وارد شد و گفت: ای نجمه! کرامت الهی بر تو مبارک باشد. کودکان را در حالی که در پارچه‌ای سفید پیچیده بودم به وی دادم. در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت و آن‌گاه آب فرات طلبید و کام طفل را با آن برداشت و گفت: طفل را بردار که او بقیة الله در روی زمین است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۳۹۱).

یکی از القاب پرافتخار خاتم اوصیای الهی، ولی عصر عجل الله تعالی فرجه «بقیة الله» است که گاهی به صفت «الأعظم» متّصف می‌شود. براساس روایات، نخستین سخن آن انسان کامل معصوم پس از ظهور «أنا بقیة الله و حجّته و خلیفته علیکم» است که با تکیه زدن بر خانه توحید، آن صلا را به گوش اهل عالم می‌رساند و نیز هر کس با آن حضرت مواجه می‌شود، با جمله «السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه» به وی ادای احترام و اظهار ادب می‌کند:

هرگاه قیام کند، به کعبه تکیه می‌دهد و سیزده مرد بر گردش حلقه می‌زنند. نخستین سخنی که می‌گوید این آیه است: بقیة الله برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید. آن‌گاه می‌فرماید: من بقیة الله روی زمین هستم و جانشین و حجّت او بر شما. آن‌گاه هر کس بخواهد به او سلام دهد، چنین می‌گوید: سلام بر تو ای باقیمانده خدا در زمین خدا (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۲۴، ۲۱۲؛ ج ۵۲، ۱۹۲).

روایات زیادی در این خصوص از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که به چند نمونه به عنوان شاهد اشاره می‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما ظهور می‌کند به خانه کعبه تکیه می‌زند و ۳۱۳ مرد گرداگرد او جمع می‌شوند و نخستین سخن او این آیه قرآن است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین». سپس می‌گوید منم بقیة الله در زمین و منم خلیفه خداوند و حجّت او بر شما و هر درود فرستنده‌ای به او چنین سلام گوید: «السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه» (ابن بابویه، ۳۹۵ق: ج ۱، ۶۰۴).

از امام باقر علیه السلام سؤال شد، چگونه به قائم آل محمد صلی الله علیه و آله درود بفرستیم؟ فرمود بگو «السلام علیک یا بقیة الله» سپس این آیه را تلاوت فرمودند «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» (قمی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۳۴۳).

امام هادی علیه السلام فرمود:

او کسی است که جامع کلمات خداوند (قرآن ناطق)، تمام‌کننده نعمت، پایدارکننده حق و نابودکننده باطل با کمک خداوند است. او همان مهدی منتظر است. بعد از

بیان این مطالب آیه ۸۶ سورة هود را قرائت فرمودند: «اوست که وحدت کلمه ایجاد کند و نعمت‌ها را کامل گرداند، و خداوند به وسیله او حق را پا برجا و باطل را نابود گرداند. هم او مهدی منتظر است» (حائری یزدی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۱۶۸).

سیدبن طاووس در کتاب *اقبال الاعمال* برای زیارت امام زمان علیه السلام آورده است:

أَيُّنَ بَقِيَّةَ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ (سید ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۲۹۷)؛
در فرهنگ و معارف شیعه و حتی در نزد برخی از ارادتمندان به اهل بیت عصمت و طهارت، امام مهدی علیه السلام را به لقب بقیة الله سلام و تحیت می‌گویند.

بقیة الله از نظر ابن عربی

ابن عربی، عارف نامدار جهان اسلام، دارای تألیفات مهم و متعددی است. شرایط محیطی ایشان از حیث سیاسی و مذهبی، در ابراز عقاید و بیان مطالب در خصوص اصول اعتقادات و مذهب، شرایطی خاص بوده، به طوری که همگان امکان بیان صریح باورهای مربوط به مذهب شیعه را نداشتند. از این رو، در مذهب ایشان با عنایت به آثار باقیمانده از وی، نظر قطعی ابراز نگردیده است. به هر روی، نامبرده در آثار خود مطالبی در خصوص ائمه آورده که به استناد آن، حکم به مذهب تشیع وی داده می‌شود. به اعتقاد عرفا مهم‌ترین اثر ابن عربی فتوحات مکیه است. در این کتاب، ایشان بابی را با عنوان «فی معرفه و منزل وزراء المهدی الظاهر فی آخر الزمان الذی بشر به رسول الله صلی الله علیه و آله و هو من اهل البیت» در وصف امام زمان و یارانش گشوده است. از جمله در فرازی از این باب به موضوع «بقیة الله» پرداخته که ذیلاً در این بخش به طور اجمال، نظر او در باره امام مهدی علیه السلام و ارتباط او با بقیة الله اشاره می‌شود. ابن عربی، بدون این که روایات وارده در خصوص حضرت مهدی علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سایر ائمه علیهم السلام را در آثارش بیاورد، ویژگی‌های آن حضرت را با برداشت از روایات بیان نموده است: رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت داد که مهدی علیه السلام از اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان ظهور خواهد یافت. این خلیفه از اولاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است از فرزندان فاطمه علیها السلام و همنام رسول الله صلی الله علیه و آله و نیای او حسین بن علی علیه السلام است. در خلقت و خلقت شبیه رسول الله صلی الله علیه و آله است. اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را امتداد خواهد داد تا این خلیفه ظهور کند تا زمین را پر از قسط و عدل نماید. بین رکن و مقام ابراهیم با او بیعت می‌شود. خداوند به واسطه او آنچه را که از قرآن جاری نشده، جاری می‌کند. صلاحیت این کار را خداوند در شبی به او خواهد داد که نصرت به حضورش می‌شتابد. او گام به گام رسول خدا صلی الله علیه و آله را پیروی می‌کند. او

حجت بر مردم زمان خود از سوی خداوند خواهد بود و همانند رسول اکرم ﷺ دارای عصمت خواهد بود و در اعمال و رفتار او خطا و اشتباهی دیده نخواهد شد. ایشان در ادامه بیان اوصاف و ویژگی‌های آن حضرت و عملکرد حضرت مهدی ﷺ در زمان ظهور، یاران و همراهان و کمک‌کنندگان آن حضرت را از اعاجم که با زبان عربی تکلم می‌کنند، می‌دانند (ابن عربی، ۱۳۹۲ ش: ج ۳، ۳۲۷-۳۲۹).

وی در تفسیر آیه ۸۶ سوره هود و واژه بقیة الله می‌نویسد:

اما در ارزاق محسوس حکمی نیست مگر در بقیة الله؛ پس هرکس از آنچه خارج از این بقیه است بخورد، از دست این امام عادل نخورده است. تمام اموالی که در عالم است خالی از آن نیست که یا مالک معینی دارد و یا این که مالکی ندارد. اگر مالکی معین دارد، آن از بقیة الله برای این شخص است؛ و اگر مالک معینی ندارد، آن تعلق به تمام مسلمانان دارد؛ لذا خداوند این امام را وکیل قرار داده تا آن را برایشان حفظ کند. این از بقیة الله است که بر مال مملوک افزوده شده است (همان: ۳۴۰).

هر نعمت و رزقی که از جانب خداوند در هستی باشد آن مصداق بقیة الله است. بنابراین مال «زید» برای زید، بقیة الله است، و مال عمرو برای عمرو بقیة الله است. بنابراین امام (مهدی) به مقدار آنچه که خداوند در آن حکم نازل کرده است، حکم می‌کند. اگر مضطر در ملک کسی تصرف کرد، و صاحب آن را یافت، آن را به قایل به ضمان می‌رساند و اگر نیافت، امام وقت در آن امر قائم مقام او از بیت‌المال است؛ و اگر تصرف‌کننده در آنچه که کسی مالکش نیست و یا مالکش امام است، به حکم وکالت مطلق از جانب خدا تصرف کرد، بر او چیزی نیست. این علمی است که معرفت بدان ناگزیر بر امام وقت لازم می‌شود. او حکم خواهد کرد به شریعتی که رسول اکرم ﷺ در زمان حیات خود به آن حکم می‌کرد و هیچ فرقی از این نظر بین آنها نخواهد بود مگر همان تفاوتی که بین امام و رسول می‌باشد (در عصمت و دیگر شرایط به عنایت به نصوص وارده فرقی بین امام و رسول نیست) (ابن عربی، ۱۳۹۲ ش: ج ۳، ۳۴۰).

قیصری در شرح فصوص الحکم عبارت ابن عربی را در خصوص حضرت مهدی ﷺ چنین بیان می‌کند:

شیخ در فتوحات تصریح کرده است که او نزدیک‌ترین مردم به رسول خدا ﷺ و راز پیامبران و اولیای الهی است. او همان مهدی یا علی است. شیخ بزرگ در فکوک تصریح کرده است که مهدی ﷺ خاتم ولایت مطلقه است، زیرا پیامبر ﷺ خلافت خود را بدون واسطه به خدا اضافه کرده است. و فرموده‌اند: برای خدا خلیفه‌ای است که جهان را با عدل و داد پر می‌کند (قیصری، ۱۳۷۵ ش: ۲۸۶).

بقیة الله از منظر جوادی آملی

در معارف قرآن، هر موجود سودمند که از سوی خدا، و برای بشر نیکی بخش و دارای اثر ماندگار باشد، «بقیة الله» است، چه این که با داشتن چنین اوصافی مظهر «هو الباقی» خواهد شد، چنان که در کلام حضرت شعیب علیه السلام به سودی که از راه حلال حاصل می شود «بقیة الله» گفته شده است. فلسفه آن این است که سود حلال، روزی نازل شده از سوی خداوند است و با توجه به انتسابش به ماورای طبیعت و بهره ای که از «وجه الله» دارد، می تواند مظهر «هو الباقی» و منشأ خیرات و برکات برای انسان و وسیله ای برای تأمین سعادت وی باشد. بنابراین، هر چیز که «وجه الله» باشد، مظهر اسم مبارک «الباقی» بوده و بقیة الله خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ش: ۳، ۶۳). بقیة الله آخرین ثمره معصوم از شجره طیبه آل پیامبر صلی الله علیه و آله است، که جد گرمی اش به فاطمه علیها السلام فرمود؛ خداوند ما را به ویژگی هایی گرمی داشته که دیگران فاقد آن اند و مهدی این امت از ماست. و به وجود او مباهات کرد، و او را از مفاخر اهل بیت علیهم السلام شمرد. به گواهی روایات مهدی علیه السلام از شجره آل محمد صلی الله علیه و آله و نهمین فرزند حسین بن علی علیه السلام، در سحرگاه نیمه شعبان ۲۵۵ (ق) به دنیا آمد و عالم به وجود حضرت خاتم الاوصیاء بقیة الله اعظم وَجْهَ الشَّرِیف منور و عطراگین شد. براساس حدیثی از امام صادق علیه السلام، خداوند کتابی مههور به مهر طلا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد و در آن فرمود: ای محمد! این وصیت تو به نجبای از اهل بیت توست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسید، نجبای من کیان اند؟ جبرئیل عرض کرد علی بن ابی طالب و فرزندان. وجود مبارک بقیة الله خاتم اوصیاء و عصاره همه ذوات مقدس قبله عهده دار تأمین صلح و عدل مبسوط الهی است، آن معصومی که بر تخت جانشینی آخرین پیامبر خدا تکیه می زند، براساس «النبی اولى بالمومنین من انفسهم» (احزاب: ۶) صاحب همان ولایت تشریعی و سرپرستی خاتم صلی الله علیه و آله است. این سلسله پس از پیامبر اسلام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله با وجود مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام آغاز شده و به وجود مبارک خاتم الاوصیاء، حجة بن الحسن المهدی وَجْهَ الشَّرِیف ادامه می یابد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش: ۵۴-۵۹). لقب پر افتخار «قائم» از القاب اختصاصی حضرت «بقیة الله» می باشد و این لقب شریف در قرآن کریم آمده است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مومنین» (همان: ۹۹). امروزه انسان کاملی که معصوم و مظهر اسم اعظم خدا و خلیفه عصر باشد، به جز امام عصر، حجة بن الحسن بقیة الله، نیست (همان: ۱۱۴ و ۱۹۴).

انسان کامل، که کون جامع و جامع حضرات خمس است، شایستگی آن کامل بالذات علی الاطلاق و جمیل مطلق را دارد. و این انسان کامل، گاهی پیامبر و زمانی امام معصوم و جانشین

پیامبر است. انسان کامل نماینده خدا در زمین است، به همین سبب خلیفه الله می باشد. و در زمان غیبت مستخلف عنه ظهور و حضور دارد. انسان کامل صاحب مقام بلندی است که می تواند مظهر تمام اسمای حسنی الهی و آیه و آینه تمام نمای ذات اقدس اله در همه نشأت وجود حضور و ظهور داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰ ش: ۱۰۶-۱۰۹). امروزه، در سرتاسر جهان هستی، انسان کامل به جز وجود مبارک بقیه الله اعظم مهدی موجود منتظر نیست. او معلم فرشتگان و آدمیان و دارای مقام عصمت مطلق و خلیفه الله الاعظم است. نه تنها عیسی علیه السلام به امام عصر علیه السلام اقتدا می کند بلکه بیشتر اهل کتاب نیز به پیروی از او به امام زمان علیه السلام اقتدا کرده و نماز می گذارند (همان: ۱۱۷ و ۲۳۹).

افزودن بر ایفای مقسطانه مکیال و میزان، قناعت به سود حلال و بسنده کردن به درآمد حق در کیل و تجارت عدل در وزن نیز می توانند از یک منظر مصداق بقیه الله باشند، لیکن مصداق کامل آن چیز دیگر است. واژه بقیه الله که در آیه ۸۶ سوره هود، بر ایفای مقسطانه کیل تطبیق شده، نیز اصلی کلی و فراگیر و به معنای چیزی است که خداوند آن را ماندگار کند. لیکن به عنوان مصداق اصیل و برتر و بارز، وجود مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام که به اراده الهی تا زمان ظهورشان ذخیره شده اند و بقیه الله خوانده می شوند، چنان که بر پایه روایات آن حضرت پس از ظهور بر کعبه تکیه می زند و در میان اصحاب خود با قرائت آیه مورد بحث، خود را بقیه الله می خواند: «انا بقیه الله فی الارضه و خلیفته و حجتہ علیکم». مردم نیز باید با همین نام به ایشان سلام دهند. چون هر کوششی که رنگ خدایی بگیرد، مانند عدل، قسط، علم، تعلیم، و تعلم برای خدا، بقیه الله و ماندگار است و قرآن کریم همگان را به این ماندگاری فرا می خواند بقیه الله خیر لکم. غرض آن که نه اوج و اعتلای بقیه الله بودن امام زمان علیه السلام، مانع اطلاق واژه بقیه الله بر خواسته های صحیح اقتصادی است، نه حسیض بقیه الله قوم مدین، رادع اطلاق این کلمه بر انسان کامل معصوم علیه السلام است (جوادی آملی، ۱۳۹۵ ش: ج ۳، ۳۹ - ۲۰۹).

بررسی تطبیقی دیدگاه ابن عربی و جوادی آملی

از این که هر دو دانشمند در این که مصداق «بقیه الله» حضرت مهدی علیه السلام است اتفاق نظر دارند هیچ تردیدی وجود ندارد، اما شرایط اجتماعی و سیاسی در چگونگی اظهار نظر در این خصوص تأثیرگذار بوده است. ابن عربی در آثار خود هیچ روایتی را در این موضوع نیاورده است، اگرچه بیان ایشان ترجمه و مفهوم روایات با بیان عرفانی و حکمی است. در مقابل، آیت الله

جوادی آملی در تبیین و توضیح مطلب صراحتاً به روایات استناد کرده و برداشت حکمی خود را مستنداً بیان نموده است. ابن عربی از قول رسول الله ﷺ مژده ظهور مهدی علیه السلام از اهل بیت را در آخرالزمان داده است. و در ابتدای باب سیصد و شصت و شش می نویسد که این خلیفه شبیه ترین فرد به رسول الله ﷺ است. جوادی آملی نیز از قول پیامبر ﷺ می نویسد که مهدی علیه السلام این امت از ماست و با مباهات او را از مفاخر اهل بیت می شمارد. و با استناد به قول امام صادق علیه السلام می نویسد که او از سوی خداوند در کتابی مهور به مهر طلا به پیامبر ﷺ وصیت شده است. علاوه بر این جوادی آملی افزون بر این اوصاف، حضرت را آخرین ثمره معصوم از شجره طیبه آل پیامبر ﷺ می خواند.

ابن عربی مهدی علیه السلام را، از عترت رسول الله ﷺ و همنام و شبیه پیامبر ﷺ و فرزند حسین بن علی بن ابی طالب و فاطمه علیها السلام معرفی می کند. جوادی آملی نیز حضرت را نهمین فرزند حسین بن علی معرفی می کند. هر دو دانشمند او را «خاتم الاولیاء و الاوصیاء و بقیة الله» نیز می خوانند.

ابن عربی مژده ظهور حضرت برای قسط و عدل را می دهد، و جوادی آملی با نقل حدیثی شریف از امام جواد علیه السلام، دقیقاً همین خبر را بازگفته است. به نظر می رسد ابن عربی این دسته از احادیث را خوانده بود، ولی به خاطر شرایط نامناسب سیاسی بدون ذکر نام امامان بیان می کرد و علاوه بر این بسیاری از اظهارات ابن عربی که حکایت از حقانیت تشیع و اهل بیت داشته توسط معاندین متعصب دستخوش تحریف شده است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۷: ۷۹۷). هر دو دانشمند محل ظهور حضرت را در کنار کعبه، بین رکن و مقام ابراهیم علیه السلام دانسته، و محل بیعت مردم با حضرت را در آن محل می دانند. آیت الله جوادی آملی با استناد به روایات معتقد است که حضرت در کنار کعبه ندای «انا بقیة الله» به جهانیان اعلام می کند.

هر دو دانشمند سیره حضرت در اداره جامعه را بنا به قرآن و سنت نبوی دانسته و بر این اساس معتقدند به واسطه مهدی علیه السلام قرآن بر انس و جن جاری شده و مطابق با قرآن، مردم هدایت و رهبری می شوند و خداوند سبحان در شبی صلاحیت ظهور و خروج را به حضرت می دهد و اوضاع را به نفع او می گرداند.

ابن عربی مکرر بر عصمت حضرت و مصونیت وی از هر گونه خطا و اشتباه تأکید می کند، و با صراحت می گوید، که مهدی علیه السلام در کار خود پا جای پای حضرت رسول الله ﷺ می گذارد و مردم را به سوی خدا دعوت می کند. همین نظر را جوادی آملی داشته، مضافاً این که حضرت را معصوم و مظهر اسم اعظم و خلیفه عصر می خواند.

ابن عربی در ابتدای باب ۳۶۶ جلد سوم، صفحه ۳۲۷ فتوحات مکیه و در صفحات بعد از همین باب در قالب نظم حضرت را به عنوان «إِنَّ الْأَمَامَ» و «عین الامام العالمین» و ختم اولیاء از آل احمد معرفی می‌کند که به تعبیر حکیم آقا محمدرضا قمشه‌ای در رساله ذیل فص شیشی، می‌نویسد: ابن عربی حضرت مهدی (عج) را به امام العالمین خوانده که العالمین جمع مُحَلّی به الف ولام است، لذا عمومیت را افاده می‌کند و این بیت نص صریح بر امامت حضرت مهدی (عج) بر عیسی (عج) و روح دارد (بدیعی، ۱۳۸۴ش: ۲۶۳). بنابراین اعتقاد ابن عربی، انسان کامل در ازل آزال با خدا بوده و تا ابد آباد است هم با خدا خواهد بود و در حالی که ماسوای او باقی به «إِبقا الله» هستند؛ او باقی با «بقاء الله» است (جهانگیری، ۱۳۷۵ش: ۴۴۴).

جوادی آملی نیز حضرت را امام، خاتم ولایت، خلیفه الله زمان، انسان کامل، امام حی منتظر موعود، عصاره تمام ذوات مقدس و مظهر تمام اسمای الهی و آیه و آینه تمام‌نمای ذات اقدس اله در همه نشئات وجود می‌داند. و مهم‌تر از همه، حضرت را به عنوان «بقیة الله» و وجه مانای الهی که همواره پیوند ناگسستنی با خدا دارد، می‌شمارد. هر موجودی که از عالم طبیعت بگذرد و به کمال «عند الله» بودن برسد، برای همیشه باقی خواهد ماند، در حالی که موجود محدود به جهان طبیعت و بی‌ بهره از انتساب به خداوند متعالی، با زوال عالم ماده زائل می‌شود؛ زیرا تنها حریم قدس باری تعالی است که از زوال، تغییر و تبدیل مصونیت دارد: «ما عندکم یتفد و ما عند الله باقی» (نحل: ۹۶) قرآن کریم بقا را مختص «وجه الله» می‌داند و غیر آن را در آغوش اصل کلی فناپذیری و زوال می‌بیند:

﴿كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَأَنْ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذَوَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ (الرحمن: ۲۶-۲۷)؛

هرچه بر روی زمین است فنا می‌پذیرد، اما وجه با شکوه و جلال پروردگارت می‌ماند.

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (قصص: ۸۸) در این آیات، سخن از بقای «وجه الله» و «ما عند الله» است، نه بقای خدا، که امری مسلم و مناقشه‌ناپذیر است. بنابراین، هرچه به خدا انتساب پیدا کند، بقا خواهد یافت و از تیررس زوال‌پذیری و فنا دور خواهد ماند؛ مثلاً اعمال خالصانه‌ای که تنها به انگیزه جلب رضای خدا انجام می‌شود، توان باریافتن به مقام «عند الله» و «وجه الله» شدن و انتساب به خدا پیدا کردن را دارد. در نتیجه می‌تواند با حضور در صحنه قیامت، منفعتی عاید عامل خود کند. وگرنه عملی که با مقاصد دیگری انجام می‌شود، همراه با زوال آن مقصودها زائل و ضایع می‌گردد. ائمه اطهار (عج) که انسان‌های کامل و معصوم‌اند فنا یافته‌های محض در ذات اقدس باری تعالی هستند و تمام حرکات و سکنتات آنها برای

تحصیل رضای اوست. از این رو نه تنها اعمال شان، بلکه گوهر ذات شان «وجه الله» و مظهر «هو الباقی» است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ش: ۶۴-۶۶). البته هر کسی که صورت و سیرت او در زندگی رنگ خدایی داشته باشد و در مسیر هادیان الهی قدم بر دارد از مظاهر «بقیة الله» خواهد بود چون معیار بقا و فنا صبغه عنداللهی داشتن اعمال می باشد گذشت قرون و اعصار، گرد فنا و نیستی بر آثار علمی و قلمی بزرگانی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، بوعلی، فارابی و... ننشاند و هنوز کتاب های آنان محور آموزش و تعلیم و تعلّم حوزه ها و مراکز علمی و فرهنگی است؛ سرّش آن است که علما و بزرگان دین، سخنان ائمه علیهم السلام را که پیام جاودانی ذات اقدس است تبیین می نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ش: ج ۳، ۶۹).

ابن عربی می نویسد هر رزقی که در عالم است، از «بقیة الله» می باشد و حکم خدا نیز مربوط به «بقیة الله» است و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان امام عادل، از سوی خدا وکالت یافت، تا مرز بین حلال و حرام را تعیین کند، و در بخش حلال رزق محسوس، که «بقیة الله» است و طبق آیه قرآن از آن به «خیر» تعبیر شده، جهت استفاده مؤمنان از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکم صادر شود، و اعتقاد دارد که چنانچه کسی خارج از «بقیة الله» بخورد، از دست امام عادل، یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نخورده است، بلکه از بخش غیرحلال که مربوط به حکم اصلی و عمومی است، استفاده کرده است که دیگر مصداق «خیر» مورد اشاره در آیه مورد بحث نیست. ولی از نظر جوادی آملی «بقیة الله» نه فقط در این حد که ابن عربی معتقد است، بلکه فراتر از این یعنی خود وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان اصلی کلی و فراگیر مصداق اصیل و برتر و بارز تا زمان ظهور ذخیره شده و «بقیة الله» خوانده می شود. «ولی عصر (أرواحنا فداءه) وقتی ظهور می کند، آیه شریفه «بقیة الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین» را تلاوت می کند؛ یعنی أنا بقیة الله؛ خدای سبحان مرا برای حفظ جوامع انسانی نگه داشته است، من باقی و نگهداشته خدای سبحانم و برای شما بهترم. و به همین جهت است که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوئیم «بقیة الله». اصولاً اسمای حسنی و مظاهر قسط و عدل، «بقیة الله» هستند و ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بهترین مصداق بقیة الله است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش: ج ۷، ۹۸).

ابن عربی می نویسد برای مؤمنان در رزق محسوس خدا فقط در قسمت «بقیة الله» مسّی وجود دارد نه در تمام قسمت ارزاق، و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان جداکننده کل رزق (ممنوع در حکم اولیه) با رزق بقیة الله (مجاز در حکم دوم یا فرعی به تعبیر او) می داند. وی اموال بدون صاحب را متعلق به بیت المال و بقیة الله، و در اختیار و تصرف امام وقت یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان وکیل از جانب خدا می داند. ولی جوادی آملی علاوه بر امور اقتصادی،

خیلی برتر و بالاتر از این، هر کوششی که رنگ خدایی داشته باشد را «خیر» ماندگار و «بقیة الله» می خواند.

ابن عربی معتقد است که امام به طریق تنزیل الهی بر همه چیز علم می یابد و حکم می کند نه به طریق قیاس، اگرچه امام علم قیاس را نیز می داند، ایشان قیاس را در جایی که نص وجود دارد بهره برداری از آن را حرام می داند که این اعتقاد وی همانند اعتقاد امامیه است (حسن زاده آملی، ۱۳۷۳ش: ۳۳). به اعتقاد وی، حکم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نزد خداست و آن را مطابق با شرع حقیقی محمدی صلی الله علیه و آله می داند.

نتیجه گیری

اگرچه به صراحت در قرآن کریم نامی از امام زمان برده نشده است، بنا به تصریح روایات، مصداق «بقیة الله» در آیه ۸۶ سوره هود ایشان است. «بقیة الله» به چیزی گفته می شود که خدای سبحان آن را به هر دلیلی، باقی گذاشته و زوال و نابودی در آن راه ندارد. در مقایسه بین نظرات دو دانشمند، هر دو در مصداق «بقیة الله» به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق نظر داشته و تردیدی در این باور وجود ندارد، اما شرایط اجتماعی و سیاسی در چگونگی اظهار نظر در این خصوص تأثیرگذار بوده است. ابن عربی در آثار خود هیچ روایتی را در این موضوع نیاورده است، اگرچه بیان ایشان ترجمه و مفهوم روایات با بیان عرفانی و حکمی است. در مقابل، آیت الله جوادی آملی در تبیین و توضیح مطلب صراحتاً به روایات استناد نموده و برداشت حکمی خود را مستنداً بیان نموده است. از منظر هر دو عارف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و آل احمد یا آل رسول الله صلی الله علیه و آله، فرزند فاطمه علیها السلام از نسل حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، خلیفه الله، حجة الله، انسان کامل، امام زمان علیه السلام، حی موعود موجود برای ظهور و برپائی عدل و قسط، مجری احکام الهی براساس قرآن و شرع حقیقی محمدی، معصوم و وکیل و صاحب اختیار از جانب خداوند برای تصرف و استفاده از اموال می دانند. ابن عربی در حکم فرعی که مربوط به سود حلال برجامانده از حکم کلی یا اصلی است، تعبیر به «بقیة الله» و «مسمای رزق الله» می کند، و آن را در اختیار امام وقت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، که مصداق اتم خیر است می داند. ولی جوادی آملی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را «بقیة الله» و صاحب اختیار همه اموال و خیر مطلق، و مطلق خیر می داند. بنابر نظر ایشان هر چیزی که «وجه الله» باشد، مظهر اسم مبارک «الباقی» بوده و بقیة الله خواهد بود. از منظر آنها، امام مهدی علیه السلام منجی آخرالزمان و برپاکننده عدل و داد است و بقای عالم به واسطه وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان امام وقت و انسان کامل است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن عربی (۱۳۹۲م)، *فتوحات مکیه*، تحقیق: عثمان یحیی، قاهره: المجلس الاعلی.
۴. آذرتاش، آذرنوش (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*، تهران: نشر نی.
۵. بدیعی، محمد (۱۳۸۴ش)، *احیاگر عرفان*، تهران: مؤسسه انتشاراتی پازینه.
۶. تبادکانی، شمس الدین محمد (۱۳۸۲ش)، *تسنیم المقربین*، تهران: کتابخانه موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی ایران.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ش)، *ادب فنای مقربان*، قم: نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، *سیره پیامبران*، قم: نشر اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش)، *امام مهدی موجود موعود*، قم: نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵ش)، *تسنیم*، قم: نشر اسراء.
۱۱. جهانگیری، محسن (۱۳۷۵ش)، *محبی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. چراغچی، زهرا؛ توحیدی، امیر؛ معارف، مجید (۱۴۰۱ش)، «ارتباط سنجی مفهوم ما عند الله با بقیه الله در قرآن کریم»، *پژوهش های تفسیر تطبیقی*، شماره ۸ (۲).
۱۳. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۳ش)، *نهج الولایه*، قم: انتشارات قیام.
۱۴. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۷ش)، *هزار و یک کلمه*، تهران: نشر رجاء.
۱۵. خواجهوی، محمد (۱۳۹۳)، *ترجمه فتوحات مکیه*، تهران: انتشارات مولی.
۱۶. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالشامیه.
۱۷. سید ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۸. طبیبی، علیرضا (۱۴۰۱ش)، «تحلیل تطبیقی مصادیق واژه «بقیت الله» در تفاسیر فریقین»، *پژوهش دینی*، شماره ۲۲ (۴۵).
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.

۲۰. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۹۸۱م)، *لطائف الإشارات*، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۱. قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، *سفينة البحار*، قم: اسوه.
۲۲. قیصری، داود (۱۳۷۵ش)، *شرح فصوص الحکم (القیصری)*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۸۵ش)، *شرح منازل السائرین (کاشانی)*، قم: انتشارات بیدار.
۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۵. محمدی، محمدعلی (۱۳۸۵)، «پژوهشی درباره مصطلح قرآنی بقیة الله»، *اسلام پژوهی*، شماره ۳.
۲۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مظفری، سیدمحمد؛ حسینی شاهرودی، سیدمرتضی (۱۳۹۵ش)، «مهدویت در اندیشه ابن عربی»، *پژوهشنامه کلام*، شماره ۳ (۴).
۲۸. میرزایی نیا، حسیه؛ ابراهیمی آشوری، فاطمه (۱۳۹۶ش)، *واژه شناسی واژه بقیه الله در قرآن کریم، نهج البلاغه و روایات*، رشت: دومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی.
۲۹. ورمزیار، مصطفی (۱۴۰۱ش)، «واکاوی مفهوم بقیة الله و تطبیق آن بر امام زمان»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۶۲.
۳۰. یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق)، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب* رحمة الله علیه، بیروت: مؤسسة الاعلمی.